

کارگردان فیلم «گورکن»:

دولت آینده اگر قصد خدمت دارد، کاری به سینما نداشته باشد



که شاید برای انواع و اقسام مخاطبان مهم باشد و دوست داشته باشند که این داستان را ببینند. مهمترین دلیل نمایش های متعدد فیلم در فستیوال های خارجی همین است و در کنارش تمام عوامل تمام تلاش خودشان را به نوا احسن انجام دادند تا به نتیجه قابل تأملی دست پیدا کنند. در زمینه پخش بین المللی فیلم هم ما تمام تلاشمان را کردیم که علی رغم تعطیلی و کنسول شدن و به تعویق افتادن تعداد زیادی از جشنواره های خارجی به علت فراگیری و بیروس کرونا، با همزه «گورکن» در اکثر جشنواره ها ثابت نام شود و شانس حضور و نمایش بیشتری در محافل و رویدادهای جهانی داشته باشد.

فضای فیلم های شما نزدیک به تئاتر است، آیا به تئاتر علاقه ویژه ای دارید؟

این برداشت شاید به این دلیل است که مادر تئاتر بیشتر میزن و چیدمان و اغراق داریم. من به شخصه طرفدار سرسخت فضاهای رئالیستی هستم، ولی در کارهای خود همیشه دنبال یک فانتزی و لحن خاصی بودم که به آن هم علاقه و دلچسپی زیادی دارم. تصور می کنم که لازمه رسیدن به این لحن، شبکهای از تصمیمات است که شاید در بعضی از زمینه ها شباهت نزدیکی به فضاهای تئاتری داشته باشد.

از نظر شما سینمای ماطی این سال ها روند رو به رشدی داشته یا خیر؟

سینمای قصه گو و جدی ماعلی رغم تمام ناملایمات و بی مهری های سال های اخیر همچنان به حرکت خود ادامه داده و همچنان در عرصه بین المللی برای سرزمین ما افتخار آفرین است.

عملکرد دولت در بخش فرهنگ را طی این سال ها چطور ارزیابی می کنید و از دولت آینده چه انتظاراتی دارید؟

حقیقت این است که در کشور ما وزارت ارشاد چندان صاحب قدرت نیست و طبیعتاً در زمینه فرهنگ و هنر چندان توانایی خاصی برای عرض اندام

دولت ها این سال ها بیشتر برای سینما موانع مختلف خلق کرده اند، بنا بر این بیشترین انتظارم از دولت آینده این است که هیچ کاری به کار سینما نداشته باشد؛ این می تواند بهترین کمک و خدمت به سینما باشد

چالش من در فیلم «گورکن» این بود که در عین محفوظ نگه داشتن دنیای مورد علاقه ما، داستانی لطیف تر را تعریف کنم که با مخاطبان بیشتری پیوند بخورد. «گورکن» قصه زمینی تری دارد، فضا کاملاً اجتماعی و معاصر است و تلاش می کند که در عین مینیمالیست و سادگی، روایت داستانی و روایت بصری متفاوتی ارائه دهد.

فیلم در فستیوال های زیادی شرکت داشته و جایزه گرفته، آیا این به دلیل جهل شمول بودن موضوع فیلم است؟

من با نظر تان موافقم؛ فیلم «گورکن» مسئله دراماتیک بسیار مهمی را مطرح می کند، مسئله ای

کتاب

بازنشر داستان مردی که دوبار مُرد



«نور نجات بخش» اثر دانیون برینکلی با ترجمه زیبا پرهام از سوی نشر فرزانه روز به چاپ چهارم رسید. به گزارش ایلنا، این کتاب که در زیر عنوان اصلی اش نوشته شده «مردی که دو بار مُرد»، سرگذشت مردی است که دو بار تجربه مرگ را از سر می گذراند و در این کتاب، با دقت و تفصیل، آنچه را که در دنیای دیگر دیده است شرح می دهد و می گوید که چگونه در آنجا زندگی گذشته اش را روی صفحه تلویزیون دیده است و چگونه تصویرهایی روشن درباره رویدادهای آینده جهان به او نشان داده اند.

در ستایش دیوانگی به چاپ یازدهم رسید



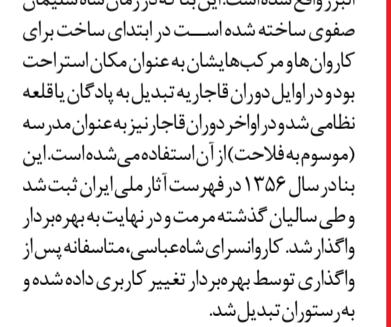
«در ستایش دیوانگی» اثر کلاسیک «اسموس» با ترجمه، مقدمه و حواشی نوشته «حسن صفاری» به چاپ یازدهم رسید. به گزارش ایلنا، «در ستایش دیوانگی» که برای نخستین بار در آغاز قرن شانزدهم میلادی منتشر شد، از جمله کتاب هایی است که غوغای انگیز شده و به عقیده بسیاری از مورخان، در تکامل فکری دوران رنسانس و نیز جریان اصلاح دینی مسیحیت نقش موثری ایفا کرده است. این کتاب در واقع اولین اثری است که بعد از دوران تاریک قرون وسطا در اروپا منتشر شد و اوضاع اجتماعی آن روز و خصوصاً استبداد و بیاد مذهبی مقامات کلیسا و رهبران دیوان های تفتیش عقاید را مورد انتقاد صریح و شگفتانگیز قرار داد. از اسموس که این کتاب او، تاکنون صد هابار در کشورهای مختلف جهان به چاپ رسیده، بیش از هر کسی در اصلاح دینی قرن های پانزدهم و شانزدهم میلادی تأثیر داشت و در بیان اهمیت او همین بس که اتحادیه اروپا برنامه اعزام دانشجویان کشورهای اروپایی به یکدیگر را «برنامه اسموس» نامیده است.

میراث

وضعیت نامعلوم کاروانسرای شاه عباسی کرج کاروانسرای که آشپزخانه شد



کاروانسرای شاه عباسی کرج بنایی سنگی - آجری مربوط به دوران صفویه است که در سمت جنوب شرقی میدان شاه عباسی جای شهر کرج در استان البرز واقع شده است. این بنا که در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است در ابتدای ساخت برای کاروان ها و مرکب هایشان به عنوان مکان استراحت بود و در اوایل دوران قاجار به تبدیل به یادگان یا قلعه نظامی شد و در اواخر دوران قاجار نیز به عنوان مدرسه (موسسه به فلاح) از آن استفاده می شده است. این بنا در سال ۱۳۵۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد و طی سالیان گذشته مرمت و در نهایت به بهره بردار واگذار شد. کاروانسرای شاه عباسی، متأسفانه پس از واگذاری توسط بهره بردار تغییر کاربری داده شده و به رستوران تبدیل شد.



در ابتدا قرار بود که کاروانسرا به مجموعه ای فرهنگی، هنری و پذیرایی تبدیل شود، اما بهره بردار باهدف درآمزی بیشتر از مجموعه، سازه ای را در قالب آشپزخانه در قسمت غربی کاروانسرا بنا کرد که به دلیل مزاحمت هایی که فعالیت این آشپزخانه برای همسایه ها به وجود آورد، شکایت آنها را در پی داشت و در نهایت با دستور دستگاه قضا حکم پلمب این مجموعه صادر شد. شهر داری کرج نیز به دلیل ایجاد سازه آشپزخانه، در کمیسیون ماده ۱۰۰ بهره بردار راه برداخت ۲۰ میلیارد تومان ملزم کرد. مدیر کل میراث فرهنگی البرز اعلام کرده است کاروانسرای شاه عباسی پس از فک پلمب به مجموعه ای فرهنگی و هنری تبدیل خواهد شد.

«گورکن» مسئله دراماتیک بسیار مهمی را مطرح می کند، مسئله ای که شاید برای انواع و اقسام مخاطبان مهم باشد و دوست داشته باشند که این داستان را ببینند. مهمترین دلیل نمایش های متعدد فیلم در فستیوال های خارجی همین است

به عنوان یک فیلمساز تجربی فکر می کنید که در دولت بعد هم گروه هنر و تجربه بتواند فعالیت کند؟ آیا اسلازومی برای بودن چنین گروهی در سینمای ما بیبند است؟

متأسفانه گروه هنر و تجربه در این سال های اخیر کاملاً به انزوا رفته و شاید بهتر باشد بگویم آگاهانه منفعل شده است. مخصوصاً در روزهای کرونایی که سینما به تعطیلی کشیده شد، هنر و تجربه عملاً زمین گیر شد و نتوانست با راهکارهایی خودش را نجات دهد. شاید اگر قبلاً ایده هایی برای داشتن سالن ها و پردیس های اختصاصی داشت یا در روزهای قرنطینه به ایده داشتن یک پلتفرم اختصاصی برای نمایش آنلاین فکر می کرد، یک حجمی از فیلم های چشم انتظار اکران را کم می کرد و می توانست لطفی به سینما بکند، اما حقیقت تلخ این است که امروز سینمای هنر و تجربه شاید در حد یک اسم باقی مانده و خروجی خاص و ویژه ای ندارد.

بعید می دانم که در دولت بعدی هم چیزی از این گروه باقی بماند. خوشبینانه اش این است که دوباره یک عنوان جدیدی برای این مدل از سینما انتخاب کنند و تعدادی از فیلم های هنری را نمایش دهند تا جالب اعتراض اهالی سینما و سینمادوستان را بگیرند و از ترافیک فیلم هاهم کم شود.

ندارد. دولت این سال ها بیشتر برای سینما موانع مختلف خلق کرده است، بنابراین بیشترین انتظارم از دولت آینده این است که هیچ کاری به کار سینما نداشته باشد؛ این می تواند بهترین کمک و خدمت به سینما باشد.

به طور کلی دولت ها چقدر می توانند کمک حال سینما باشند؟ حقیقت این است که دولت اگر حالش با سینمای کشورش خوب باشد، طبیعتاً از آن به طرق مختلفی حمایت می کند. در همین یکی دو سال اخیر و با توجه به وضعیت شیوع کرونا، صنعت سینما جزو اولین مشاغل بود که از آن ضربه و آسیب جدی خورد. دولت های مختلف بارها کارهای متنوعی سعی کردند از سینماگران خودشان حمایت های مالی و معنوی کنند تا آن ها روزهای سختشان را تاب بیاورند و از این مقطع گذر کنند. اگر بخواهم صادقانه نظر خودم را بگویم دولت مادر این روزها هیچ پیشنهاد ویژه ای برای هنرمندان نداشت و صرفاً نظاره گر بود. شاید می دانست که با چه راهکارهایی می توانست کمک حال سینما باشد، ولی انگار تصمیمی خواستند صرفاً شاهد این ماجرا باشند و منفعل باشند و کار خاصی انجام ندهند.



تئاتر دانشگاهی از دموکراسی تا استصوابی

اداری را انجام دهد. مجمع همواره نماینده های در وجودش حضور دانشجویان در جشنواره نوزدهم فجر را چون چگونگی حذف جشنواره جهاد دانشگاهی گفت و افزود: دوره سوم که آقای زارعی دبیری آن را بر عهده داشت، جشنواره به شکل و شمایل جدی به خود گرفت و در دوره بعد امیر سالاری از طرف مجامع به عنوان دبیر به وزارت علوم معرفی شد و جشنواره ذیل جشنواره فجر همانند سال های گذشته برگزار شد. دور پنجم کمی سیاست زده بود و خانم شکوری را مدیر کل فرهنگی وزارت علوم شد که نگاهش متفاوت بود و این مقوله را به طور کلی رها کرد. مرکز هنرهای نمایشی نیز بودجه محدودش را انداد و جشنواره بعد از چهار دور به سمت تعطیلی رفت که مهم ترین نقش تشکیل های دانشجویی این بود که با انتخاب علیرضایی به عنوان دبیر و حمایت از او وزارت علوم را مکلف به حمایت کردند و مرکز نیز همراه شد تا جشنواره پنجم به شکل بین المللی برگزار شود. محمد طباطبایی از دانشگاه علامه دبیر سال بعد شد که علاوه بر حذف بودجه ذیل جشنواره فجر خارج شد اما سهم دانشجویان تئاتر در این جشنواره افزایش یافت. این پژوهشگر افزود: در جشنواره تئاتر دانشجویی اساتید و دانشجویان باهم حضور داشتند و افرادی شرکت کردند که امر و اسم آنها را در این عرصه بسیار می شنویم. همانند پیام لاریان، رضاتوتی و... از این قضایا بیرون آمدند. متأسفانه چند سال است که خلاقیت و نخیه پروری با جشنواره ها خدا حافظی کرده است. ضرب های که جشنواره تئاتر دانشگاهی خورد از زمان آقای اقسامی و تشکیل خانه تئاتر دانشگاهی بود که یک تشکل صنفی نبود، بلکه برای این تأسیس شد که جشنواره تئاتر دانشگاهی از مجامع منفک کند و جشنواره بتواند جایی داشته باشد. محرمی همچنین بیان کرد: حرکتی که دانشجویان در اختتامیه جشنواره نهم انجام دادند و اعتراض شان را روی سن بیان کردند، بسیار ترسناک بود و هیچ مدیری نمی خواهد چنین اتفاقی رخ دهد، از سوی دیگر مجامع بخاطر قدر نشان تعطیل شدند. چون مجامع یک حرف و گفتمان جدید بودند که از آن ترسیدند و در نهایت آن را تعطیل کردند. اما جشنواره تئاتر دانشگاهی در طی سال های بعد در دانشگاه های برگزار شد و تبدیل به یک جریان فرهنگی شد و ویژگی این جشنواره که سایر جشنواره ها فاقد آن بودند این بود که چیزی به نام سانسور در آن وجود نداشت.

در ادامه این گفت و گو ایرج محرمی دیگر پژوهشگر تئاتر که در دوره نهم جشنواره دانشجویی دبیر بود، درباره چگونگی شکل گیری این جشنواره گفت: جشنواره تئاتر دانشگاهی اولین جشنواره بعد از انقلاب نیست. بعد از انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی عهده دار تمام کارهایی شد که قرار بود در دانشگاه ها انجام شود. بنا بر این اوایل دهه ۶۰ پایه گذار جشنواره تئاتر شدند و بیشتر بدنه آن را نیز اساتید جدید هنرهای زیبا بر عهده داشتند که دکترا تاجیک فنانشان شاخص ترین چهره آن زمان بود. این جشنواره بسیار مؤثر و مفید بود و به مرور در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد بنابه دلایلی دوره خوبی را آغاز کرد و محافظه کارانه پیش رفت. در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی دانشگاه ها به یک باز تولید فرهنگی رسیدند و می خواستند به فعالیت های دانشجویی بپردازند و از سوی دیگر به دلیل برگزاری کنکور اغلب افراد علاقهای به رشته تحصیلی خود نداشتند، بنابراین این دوست داشتند فعالیت فرهنگی داشته باشند و به علاقت خود برسند. او با اشاره به تلاش



در برنامه بندباز، تاملاتی درباره تئاتر ایران که به همت معاونت هنری خانه هنرمندان ایران برگزار می شود، ۲۹ خرداد احسان زیور عالم ایرج محرمی و ماهدخت حاج قاسمی پژوهشگران تئاتر درباره «هامازتیا، انهدام یک جریان»، به گفت و گو نشست. ماهدخت حاج قاسمی، پژوهشگر ادبیات کودک و دبیر سابق مجمع کانون های تئاتر در ابتدای این گفت و گو درباره تاریخچه مجمع کانون تئاتر دانشگاهی و چگونگی شکل گیری آن به مختصر سخن گفت و افزود در این مجامع چگونه همه چیز به صورت دموکراتیک برگزار می شده است، او ادامه داد: در کانون ها پنج نفر به عنوان شورای مرکزی کانون دانشگاه انتخاب می شدند که یک دبیر داشت و هر سال این دبیر کانون ها و شورای مرکزی کانون دانشگاه یک نماینده به وزارت علوم و مجمع معرفی می کرد که باید این نمایندگان از فیلتر مدیر فرهنگی دانشگاه نیز رد می شد، اما اصل ماجرا توسط دانشجویان رقم می خورد. این نمایندگان در یک مجمع سالیانه جمع می شدند که هر پنه آن توسط وزارت علوم تأمین می شد و بر گزار آن توسط دانشجویان و این نمایندگان بود. این پژوهشگر درباره دبیر مجمع توضیح داد: دبیر کسی بود که بتواند با وزارت علوم ارتباط داشته و بر و کرسی های

تئاتر